

کتاب «چهل روز آخر رئیس‌جمهور شهید» در آینه روایتی نزدیک

«راز پرواز» پس از یک سال!

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به بازخوانی «چهل روز آخر رئیس‌جمهور شهید» در آینه یادها و یادمان‌های مهدی مجاهد معاون پیگیری‌های ویژه دفتر وی پرداخته

است. این مجموعه از سوی محمدمهدی اسلامی تدوین شده و انتشارات سوره مهر، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تازنمای ناشر در باره موضوع این خاطرات، به نکات ذیل اشارت برده است: «کتاب راز پرواز اثر محمدمهدی اسلامی، منتشر شده توسط انتشارات سوره مهر، روایتی مستند، دست اول و بی‌واسطه از چهل روز پایانی حیات شهید‌جمهور مهم و حساس منتهی به شهادت رئیس‌جمهور فقید هستند و به دنبال درک عمیق‌تر از شرایط، دغدغه‌ها و تصمیمات ایشان در این برهه حیاتی می‌باشند، مورد خطاب قرار می‌دهد. این اثر ارزشمند را تمرکز بر چهل روز پایانی، خواننده را در جریان رخدادهای مهمی قرار می‌دهد که از عملیات وعده صادق آغاز شده و تا واپسین لحظات و پرواز نهایی رئیس‌جمهور شهید ادامه می‌یابد. ویژگی برجسته کتاب راز پرواز، ارائه جزئیات دقیق و ناگفته‌هایی است که تنها از زبان فردی در جایگاه مهدی مجاهد که به دلیل نزدیکی شغلی شاهد بسیاری از امور و تصمیمات بوده قابل بیان است. این روایت بی‌واسطه، تصویری دقیق و ملموس از روزهای حساس و پرنش ریاست‌جمهوری شهیدرئسی ارائه می‌دهد و خواننده را در بطن جلسات تصمیم‌سازی، دغدغه‌های ملی و



■ شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در یکی از واپسین سفرهای استانی

اخلاقی ایشان و پیچیدگی‌های میدانی قرار می‌دهد. محمدمهدی اسلامی در راز پرواز، با زبانی رسمی و در عین حال روان، جزئیات روزمرگی، مشورت‌ها و تلاش‌های رئیس‌جمهور شهید را در هم می‌آمیزد و امکان همدات‌پنداری و درک بهتر فضایی آن دوران را فراهم می‌آورد. این اثر بیش از یک زندگینامه صرف، پنجره‌ای است به جهان‌امین و متعهد مدیری که در پی‌نهادن پرتیران‌هاگام برداشت و تلاش‌هایش وقف خدمت به مردم بود. مطالعه این کتاب نه تنها به روش‌شدن ابعاد مهمی از روزهای پایانی خدمت ایشان کمک می‌کند، بلکه سندی معتبر برای پژوهشگران تاریخ معاصر و علاقه‌مندان به شناخت رجال سیاسی و وقایع مهم کشور محسوب می‌شود. در کتاب راز پرواز ما شاهد چهره همراه می‌شویم تا آخرین سفر استانی‌اش به مازندران را بخوانیم، با او به پاکستان برویم و استقبال بی‌تغییر مردم آنچرا را ببینیم و در نهایت، جزئیات کامل قبل و حین و بعد از سفر به مرزهای شمال غربی و آن حادثه ناگوار را همراه با مهدی مجاهد لمس کنیم…»

در واپسین بخش از راز پرواز، سطور بی‌آمده‌نقش بسته است: «بسیار نگران بودیم که اگر هوا تاریک شود، دیگر جست و جوی‌هامان به جایی نخواهد رسید. تا آن موقع بچه‌های رسانه‌ای، مدام از تهران زنگ می‌زدند و می‌پرسیدند: چه شد؟ و من جواب می‌دادم: داریم می‌گردیم. آن‌ش‌الله پیدایشان می‌کنیم، اما بالای آن تیه که رسیدم و به جای بالگرد با آنتن موبایل مواجه شدم، به یکی از بچه‌ها زنگ زده بود و پرسید: چه شد؟ گفتیم: از مردم بخواهید که دعا کنند. حدود ساعت ۱۵:۴۵ بود. احسان گفت: یعنی چی؟ مگر می‌شود چنین حرفی زد؟ آخر چه شده؟ گفتیم: بگو دعا کنند، بگو مردم دعا کنند که هم سالم مانده باشند، هم بتوانیم آنها را پیدا کنیم. چند روز بعد از حادثه یکی از همکاران رسانه‌ای ما که به گوشی‌اش نگاه کرد گفت: احسان در همان ساعت، در گروه خبرنگاران نوشته است که مردم دعا کنند…»

■ مریم صادقی پری

در حالی که ۴۶ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، هنوز روایت‌های ناگفته‌ای از جوانانی مبارز وجود دارد که با ایثار و آگاهی، نقش مهمی در روند پیروزی این حرکت بزرگ ایفا کرده‌اند. کتاب «مخفی و منفی» که به تازگی از سوی «بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی» روانه بازار نشر شده است، روایت مبارزات «گروه فجر انقلاب» یکی از این جریان‌های انقلابی است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقال بی‌آمده سعی بر آن بوده تا ایدئولوژی و اهداف این گروه تبیین شود. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان از مفید و مقبول آید.

■ گروه فجر انقلاب

گروه فجر انقلاب در سال ۱۳۵۲ش به همت سیدحمیدرضا فاطمی و با هدف مبارزه با رژیم پهلوی شکل گرفت. اغلب اعضای این گروه را دانشجویان متعهد و انقلابی تشکیل می‌دادند. سیدحمیدرضا فاطمی، دانشجوی رشته مهندسی مکانیک در دانشگاه صنعتی شریف بود و شهید محمدعلی باقری، اهل زابل و دانشجوی رشته متالوژی دانشگاه تهران. شهید محمدعلی پهلوان، اهل زابل و دانشجوی رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تهران، مهدی نیکدل دانشجوی رشته برق دانشگاه پلی تکنیک، نوراحمد لطیفی اهل زاهدان، دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران، جلیل سوادنی‌نژاد، دانشجوی رشته شیمی دانشگاه صنعتی شریف، حمیدرضا اشرفی، دانشجوی دانشگاه صنعتی و شهید محمدعلی موحدی از طلاب حوزه علمیه قم بودند. همچنین افرادی مانند سید محمود رضویان، محمد مشرف، مصطفی‌نیک‌حرف و سیداحمد بنی‌رضی (معروف به عباس قی)، به علت ارتباط با شهید محمدعلی موحدی از سوی سساواک به عنوان اعضای مرتبط با این گروه شناسایی شدند.

■ از روشنگری تا رویوی

این جوانان آگاه و پرشور، مبارزه را تنها در قالب فعالیت‌های فرهنگی و تبلیعی محدود نمی‌دیدند. از یکسو با انتشار و توزیع اعلامیه‌ها و دفاعیات مبارزان سیاسی در میان دانشجویان و افسار مختلف جامعه به آگاهی‌بخشی و روشنگری می‌پرداختند و از سوی دیگر، با شناسایی مراکز فساد و عناصر وابسته به جریان امریالیسم و صهیونیسم در ایران در پی تخریب آن مکان‌ها و حذف فیزیکی عوامل مرتبط با آنها بودند.

«فجر انقلاب»

یکی از شاخصه‌های برجسته گروه «فجر انقلاب»، ایثارگری و یادداری اعضای آن در مسیر آرمان‌هایشان بود. شهیدان فاطمی، پهلوان، باقری و موحدی در زندان‌های رژیم پهلوی تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند، اما در برابر سخت‌ترین شرایط نیز تسلیم نشدند و سرانجام به شهادت رسیدند. آنها به نمادی از استقامت و پابندی قاطع به اصول و مبانی انقلاب اسلامی مبدل شدند

تاریخ

تاریخ ۶۰۴۸۵۲۳



به بهانه انتشار کتاب «مخفی و منفی»

روایتی خواندنی از یک جریان پرتکاپوی انقلابی

گروه فجر انقلاب از روشنگری تا رویارویی با فساد

این شیوه، ریشه در سنت مبارزاتی‌ای داشت که از دهه

۱۳۲۰ش با جمعیت فدائیان اسلام آغاز شد. جریانی که در واکنش به سرکوب‌های شدید و انسداد فضای سیاسی، حذف فیزیکی مهره‌های کلیدی نظام طاغوت را در پیش گرفت. پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سرکوب بی‌رحمانه مردم، نسل تازه‌ای از مبارزان به‌ویژه جوانان نسبت به اثربخشی روش‌های مسالمت‌آمیز و درازمدت‌گرایانه، به ناچار به مشی قهرآمیز و هدفمند روی آوردند. چنانچه در بهمن ۱۳۴۳ش، گروه شهید باقرایی یکی از نخستین عملیات‌های مسلحانه علیه رژیم پهلوی را با ترور حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت زخم‌زد چنانکه مهندس مهدی بازرگان در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ با صراحت خطاب به قضات پهلوی گفت: «ما آخرین نفراتی هستیم که در این دادگاه به اتهام سیاسی محاکمه می‌شویم و اعتماد به رژیم داشته و می‌خواستیم از طریق انتخابات، دست به اصلاحات بزنیم…» همین

تحول فکری را می‌توان در سخنان شهید سیدحمیدرضا فاطمی در بازجویی‌های ساواک نیز مشاهده کرد: «این قیام با کشته شدن تعداد بسیار زیادی از مردم ما سرکوب شد و نتیجه مهمی که از این شکست عاید ما گردید، این بود که دانستیم دیگر با فرستادن و کلای خوب به مجلس و متحصن گردیدن و خواستار سقوط دولت شدن، کاری از پیش نمی‌رود. چه هیئت حاکمه، دست به سلاح برده بود و با آخرین نیروی خود سعی در به‌خصوص جوانان، داشت. از این زمان است که مردم و به‌خصوص جوانان، مبارزه منفی و همچنین مخفی خود را علیه دولت و هیئت حاکمه آغاز می‌کنند…»

■ تاقی ایدئولوژی و اسلحه

علاوه بر عوامل داخلی، تحولات جهانی دهه ۱۹۶۰ میلادی نیز نقش پررنگی در گسترش گرایش‌های مسلحانه در میان جوانان انقلابی ایران ایفا کرد. این دوره، هم‌زمان با اوج‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش

در جهان سوم بود. مبارزان انقلابی در ایران به‌ویژه گروه‌های مارکسیستی از تجربه‌های موفق چین، کوبا، ویتنام، الجزایر و فلسطین الهام می‌گرفتند. در ایران این جریان‌ها با استفاده از ترورهای هدفمند علیه مزدوران رژیم پهلوی سعی در سلب مشروعیت از حاکمیت، ایجاد رعب در میان بدنه نظام و القای بحران در ارکان سیاسی و امنیتی کشور داشتند. به‌عنوان نمونه، چریک‌های فدایی خلق عمدتاً مقامات نظامی و امنیتی را آماج حملات خود قرار می‌دادند. هر چند الگوی آنان با جنگ‌های چریکی کلاسیک در دیگر کشورهای جهان تفاوت‌هایی داشت، اما هدف مشترک در همه آنها ضربه‌زدن به ساختار

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی (زیراتی)، در خاطراتی از امام خمینی به‌وضوح بر ثبات دیدگاه مبارزاتی ایشان از آغاز نهضت اسلامی تأکید می‌کند.

او نقل می‌کند: «پس از حادثه فیضیه، شبی برای نماز به منزل امام رفتم. امام در اتاق کوچکی از منزلشان، نماز جماعت بر گزار می‌کردند. پس از نماز، یکی از روحانیان از امام پرسید: اکنون که دولت دست به

چنین وحشیگری زده و مدرسه فیضیه را به خاک و خون کشیده است، آیا اعلامیه دادن نتیجه‌ای دارد و عقلانی است؟ امام در پاسخ فرمودند: اگر ما بتوانیم مردم را به وظایف اسلامی‌شان آشنا کنیم، شاه و ساواک

بازجویی‌ها می‌گویند: «در عصر حاضر، نیروهای مبارز نه به‌قصد تصاحب حکومت، بلکه به‌منظور آگاهی‌بخشی به مردم از طریق تبلیغات و تهاجم عمل می‌کنند تا این باور غلط را که طبقه حاکم فئادلیز است و ارتش و پلیس شکست‌ناپذیرند، نابود سازند. نباید انتظار داشت که توده مردم، به‌سرعت از لحاظ فکری تجهیز شوند، اما هرچه شناخت مردم عمیق‌تر باشد، انقلاب سریع‌تر به ثمر خواهد رسید…»

«شهید فاطمی همچنین هدف نهایی گروه را تشکیل حکومت اسلامی عنوان می‌کند و می‌گوید: «هدف کلی ما، ایجاد حکومت اسلامی است. حکومتی که نه با کمک نیروهای خارجی و نه از طریق برخورد مستقیم با یک گروه خاص به‌دست می‌آید، بلکه در یک فرایند طولانی از طریق تبلیغات و عملیات تهاجمی، باید افکار عمومی را علیه حکومت فعلی آگاه و آماده‌پذیرش اصول واقعی اسلام ساخت…»

«سخنان شهید

سخنان شهید سید حمیدرضا

فاطمی به‌روشنی گویای آن است که گروه «فجر انقلاب» پیش از هر چیز به آگاهی و بیداری سیاسی مردم باور داشت. از نگاه آنان، اقدامات مسلحانه صرفاً تاکتیکی برای شکستن اقتدار ظاهری رژیم و از میان برداشتن تصور شکست‌ناپذیری آن بود. هدف نهایی‌شان ساختن جامعه‌ای بود که آمادگی پذیرش حکومت اسلامی را داشته باشد، نه صرفاً براندازی حکومت موجود. شهید محمدعلی باقری نیز در بازجویی‌های ساواک به همین رویکرد اشاره می‌کند و می‌گوید: «یکی از دلایلی که درباره آن صحبت کرده بودیم، این بود که ما اکنون دانشجوی هستیم و در این شرایط، زمان آن نیست که اسلحه به دست بگیریم و منطقهای را تصرف کنیم. باید افراد را تربیت کنیم. مردم عادی هم که سواد ندارند و در توشان نیست تا به‌سرعت به این سطح برسند، بنابراین فعلاً باید در میان دانشجویان، فعالیت و تبلیغ کنیم، چراکه این قشر تا حدی مطالعه دارد و آماده‌تر است. اگر ما تبلیغاتی را در بین آنان انجام دهیم، برای مبارزه آماده می‌شوند. به نظر من، در حال حاضر کار اصلی ما همین است، یعنی تبلیغ سیاسی در بین دانشجویان…»

این سخنان نشان‌دهنده تفکری است که برای پیروزی در برابر رژیم شاهنشاهی به ایجاد جریان آگاه‌سازی و تربیت نیروهای آگاه اولویت می‌دهد. از نظر شهید باقری، مبارزه مسلحانه هدفی دور‌دست بود و باید ابتدا از طریق تبلیغ و روشنگری، نیروهای فکری و اجتماعی را مهیا کرد. او در بخش دیگری از بازجویی‌ها چنین می‌گوید: «آنچه به نظر من هدف گروه بود، تبلیغ در میان دانشجویان و سپس در صورت فراهم شدن شرایط، حرکت به‌سوی مبارزه مسلحانه بود که آن نیز هدفی بلندمدت محسوب می‌شد. در نهایت، هدف ما برقراری جامعه‌ای بود که در آن قوانین اسلام اجرا شود، دستورات قرآن عملی گردد، فساد از میان برود و همه مردم به خوشبختی برسند. با هدف نهایی براندازی رژیم مشروطه و استقرار حکومت اسلامی در ایران…»

در کارنامه تحصیلات فعالیت‌های این گروه، اقداماتی چون آتش‌زدن کارخانه آجوسازی شمس و بمبگذاری در دفتر مجله «ستاره سینما» به چشم می‌خورد. این اقدامات به‌دلیل ماهیت فسادآمیز این مراکز انجام شد و نشان‌دهنده باور عمیق گروه، به ضرورت مبارزه با فساد و ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار حکومتی است.

■ فاطمی، وفادار به اسلام انقلابی

شهید فاطمی علاقه‌مند بود تا از طریق جلیل طباطبایی (یکی از فعالان سیاسی دانشگاه) به سازمان موسوم به مجاهدین خلق پیبوند. او در بازجویی‌های ساواک اذعان می‌کند: «به‌واسطه اعتراضات دانشگاه و علاقه به مذهب، مطالعه کتب دینی و سیاسی را آغاز کردم و در پی عضویت در یکی از گروه‌ها بودم، اما موفق نشدم و شخصاً دست به کار شدم…»

او هدفش از تلاش برای پیوستن به سازمان را تجربه‌اندوزی و حل مشکل نهی‌ی سلاح عنوان می‌کند. محمد خوشبختیان، عضو جادشه سازمان، دلیل عدم پذیرش فاطمی توسط آن گروه را اعتقادات مذهبی او و شکاف ایدئولوژیک درون سازمان می‌داند. در آن زمان، سازمان به دلیل گرایش مذهبی این گروه علاقه‌ای به جذب‌شان نداشت. اعضای سازمان حتی قرص سیانور همراه داشتند، اما فاطمی چنین الزامی را نمی‌پذیرفت.

فاطمی، فردی متدین بود. سید احمد نبی‌رضی او را با ایمان و جدی در اجرای اعتقادات می‌دانست تا جایی‌که اعضای کم‌کار گروه را به خواندن قرآن جریمه می‌کردا در زندان نیز روحیه مذهبی‌اش را به‌شدت تقویت می‌کرد. امام خمینی می‌کند که او به‌دلیل فعالیت‌های خود با

او به اصول دینی پایبند بود و حتی از نگاه کردن به تصاویر زنان در روزنامه‌ها خودداری می‌کرد: «او کاملاً یک فرد سنتی و پایبند به اصول شریعت بود. علاوه بر انجام واجبات، روی برخی مسائل هم حساس بود. برای نمونه، در زندان روزنامه رستاخیز را می‌آوردند. فاطمی و بچه‌های گروه‌شان به آگاهی‌های فیلم‌ها، سینمایی که عکس زنان بی‌جلباب در آنها بود، نگاه نمی‌کردند…»

او به‌دلیل فعالیت‌های مذهبی، به‌دلیل عضویت در سازمان مبارزاتی امام خمینی می‌دانست. تا پیش از دستگیری، فاطمی از تغییر ایدئولوژی سازمان موسوم به مجاهدین خلق مطلع نبود. در زندان، محمدرضا مقدم او را از این مسئله آگاه کرد: «وقتی گفتم سازمان مارکسیست شده و اعضای مذهبی‌اش را ترور کرده‌اند، شوکه شد، اما

با اعتمادی که به من داشت، سخنانم را پذیرفت و دیگر اصراری به پیوستن به آن نداشت…»

■ کلام آخر

یکی از شاخصه‌های برجسته گروه «فجر انقلاب»، ایثارگری و یادداری اعضای آن در مسیر آرمان‌هایشان بود. شهیدان فاطمی، پهلوان، باقری و موحدی در زندان‌های رژیم پهلوی تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند، اما در برابر سخت‌ترین شرایط نیز تسلیم نشدند و سرانجام به شهادت رسیدند. آنها به نمادی از استقامت و پابندی قاطع به اصول و مبانی انقلاب اسلامی مبدل شدند. کتاب «مخفی و منفی» به تلاش‌های شهید فاطمی در زندان برای تبیین ایدئولوژی خود می‌پردازد. این اثر در فصول خوش‌برخی پاسخ‌های قاطع وی به بازجوها را عیناً نقل کرده است که اقق بلند فکر و آرمان او را نمایان می‌سازد. یادش گرامی باد.

فاطمی به‌روشنی گویای آن است که گروه «فجر انقلاب» پیش از هر چیز به آگاهی و بیداری سیاسی مردم باور داشت. از نگاه آنان، اقدامات مسلحانه صرفاً تاکتیکی برای شکستن اقتدار ظاهری رژیم و از میان برداشتن تصور شکست‌ناپذیری آن بود. هدف نهایی‌شان ساختن جامعه‌ای بود که آمادگی پذیرش حکومت اسلامی را داشته باشد، نه صرفاً براندازی حکومت موجود. شهید محمدعلی باقری نیز در بازجویی‌های ساواک به همین رویکرد اشاره می‌کند و می‌گوید: «یکی از دلایلی که درباره آن صحبت کرده بودیم، این بود که ما اکنون دانشجوی هستیم و در این شرایط، زمان آن نیست که اسلحه به دست بگیریم و منطقهای را تصرف کنیم. باید افراد را تربیت کنیم. مردم عادی هم که سواد ندارند و در توشان نیست تا به‌سرعت به این سطح برسند، بنابراین فعلاً باید در میان دانشجویان، فعالیت و تبلیغ کنیم، چراکه این قشر تا حدی مطالعه دارد و آماده‌تر است. اگر ما تبلیغاتی را در بین آنان انجام دهیم، برای مبارزه آماده می‌شوند. به نظر من، در حال حاضر کار اصلی ما همین است، یعنی تبلیغ سیاسی در بین دانشجویان…»

این سخنان نشان‌دهنده تفکری است که برای پیروزی در برابر رژیم شاهنشاهی به ایجاد جریان آگاه‌سازی و تربیت نیروهای آگاه اولویت می‌دهد. از نظر شهید باقری، مبارزه مسلحانه هدفی دور‌دست بود و باید ابتدا از طریق تبلیغ و روشنگری، نیروهای فکری و اجتماعی را مهیا کرد. او در بخش دیگری از بازجویی‌ها چنین می‌گوید: «آنچه به نظر من هدف گروه بود، تبلیغ در میان دانشجویان و سپس در صورت فراهم شدن شرایط، حرکت به‌سوی مبارزه مسلحانه بود که آن نیز هدفی بلندمدت محسوب می‌شد. در نهایت، هدف ما برقراری جامعه‌ای بود که در آن قوانین اسلام اجرا شود، دستورات قرآن عملی گردد، فساد از میان برود و همه مردم به خوشبختی برسند. با هدف نهایی براندازی رژیم مشروطه و استقرار حکومت اسلامی در ایران…»

در کارنامه تحصیلات فعالیت‌های این گروه، اقداماتی چون آتش‌زدن کارخانه آجوسازی شمس و بمبگذاری در دفتر مجله «ستاره سینما» به چشم می‌خورد. این اقدامات به‌دلیل ماهیت فسادآمیز این مراکز انجام شد و نشان‌دهنده باور عمیق گروه، به ضرورت مبارزه با فساد و ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار حکومتی است.

■ فاطمی، وفادار به اسلام انقلابی

شهید فاطمی علاقه‌مند بود تا از طریق جلیل طباطبایی (یکی از فعالان سیاسی دانشگاه) به سازمان موسوم به مجاهدین خلق پیبوند. او در بازجویی‌های ساواک اذعان می‌کند: «به‌واسطه اعتراضات دانشگاه و علاقه به مذهب، مطالعه کتب دینی و سیاسی را آغاز کردم و در پی عضویت در یکی از گروه‌ها بودم، اما موفق نشدم و شخصاً دست به کار شدم…»

او هدفش از تلاش برای پیوستن به سازمان را تجربه‌اندوزی و حل مشکل نهی‌ی سلاح عنوان می‌کند. محمد خوشبختیان، عضو جادشه سازمان، دلیل عدم پذیرش فاطمی توسط آن گروه را اعتقادات مذهبی او و شکاف ایدئولوژیک درون سازمان می‌داند. در آن زمان، سازمان به دلیل گرایش مذهبی این گروه علاقه‌ای به جذب‌شان نداشت. اعضای سازمان حتی قرص سیانور همراه داشتند، اما فاطمی چنین الزامی را نمی‌پذیرفت.

فاطمی، فردی متدین بود. سید احمد نبی‌رضی او را با ایمان و جدی در اجرای اعتقادات می‌دانست تا جایی‌که اعضای کم‌کار گروه را به خواندن قرآن جریمه می‌کردا در زندان نیز روحیه مذهبی‌اش را به‌شدت تقویت می‌کرد. امام خمینی می‌کند که او به‌دلیل فعالیت‌های خود با

او به اصول دینی پایبند بود و حتی از نگاه کردن به تصاویر زنان در روزنامه‌ها خودداری می‌کرد: «او کاملاً یک فرد سنتی و پایبند به اصول شریعت بود. علاوه بر انجام واجبات، روی برخی مسائل هم حساس بود. برای نمونه، در زندان روزنامه رستاخیز را می‌آوردند. فاطمی و بچه‌های گروه‌شان به آگاهی‌های فیلم‌ها، سینمایی که عکس زنان بی‌جلباب در آنها بود، نگاه نمی‌کردند…»

او به‌دلیل فعالیت‌های مذهبی، به‌دلیل عضویت در سازمان مبارزاتی امام خمینی می‌دانست. تا پیش از دستگیری، فاطمی از تغییر ایدئولوژی سازمان موسوم به مجاهدین خلق مطلع نبود. در زندان، محمدرضا مقدم او را از این مسئله آگاه کرد: «وقتی گفتم سازمان مارکسیست شده و اعضای مذهبی‌اش را ترور کرده‌اند، شوکه شد، اما

با اعتمادی که به من داشت، سخنانم را پذیرفت و دیگر اصراری به پیوستن به آن نداشت…»

■ کلام آخر

یکی از شاخصه‌های برجسته گروه «فجر انقلاب»، ایثارگری و یادداری اعضای آن در مسیر آرمان‌هایشان بود. شهیدان فاطمی، پهلوان، باقری و موحدی در زندان‌های رژیم پهلوی تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند، اما در برابر سخت‌ترین شرایط نیز تسلیم نشدند و سرانجام به شهادت رسیدند. آنها به نمادی از استقامت و پابندی قاطع به اصول و مبانی انقلاب اسلامی مبدل شدند. کتاب «مخفی و منفی» به تلاش‌های شهید فاطمی در زندان برای تبیین ایدئولوژی خود می‌پردازد. این اثر در فصول خوش‌برخی پاسخ‌های قاطع وی به بازجوها را عیناً نقل کرده است که اقق بلند فکر و آرمان او را نمایان می‌سازد. یادش گرامی باد.

شهید سید حمیدرضا فاطمی (اثر دوم از چپ) در کنار تنی چند از دوستان

فاطمی از عکاسخانه مشترک خود بخبرنگاری ساواک